

## نشست تخصصی

### «انقلاب اسلامی، مطلع جریانى نوین در نقاشی ایران»



دکتر محمدعلی رجبی؛ دکتر محمدکاظم حسنونند؛

عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

تدوین: سیده راضیه یاسینی

معرفی نشست:

به مناسبت آغاز دهه مبارک فجر و به منظور تکریم هنر انقلاب، نشستی در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۹۳ با حضور دو تن از صاحب نظران نقاشی انقلاب در محل پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد. در این نشست، آقایان دکتر محمدعلی رجبی، عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد و دکتر محمدکاظم حسنونند، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، نظرهای خود را در باره چستی هنر انقلاب و سیر تحول نقاشی انقلاب از سال ۱۳۵۷ بدین سو، بیان داشتند.

مباحث این نشست بر دو مح و کلی استوار بود؛ نخست «چستی ذات انقلاب و هنر انقلابی» و

دوم «ویژگی های نقاشی انقلاب اسلامی» که به اجمال، مولفه های هنر انقلابی و نیز خصوصیات هنرمندان نقاش پس از پیروزی انقلاب اسلامی را بیان می نمود.

## • محور نخست: چیستی هنر انقلاب اسلامی

دکتر محمدعلی رجبی؛

برای تبیین مفهوم هنر انقلاب اسلامی، بای د دو مفهوم «هنر» و «انقلاب» را تعریف نمود تا هنر انقلاب در نسبت با اسلامی بودن آن، مشخص شود.

### ✓ هنر و نسبت آن با قلب و انقلاب

«هنر» ظهور یکی از تجلیات قلب انسان، به مثابه عرش رحمان است. انس با قلب، ویژگی خاص هنر است و هیچیک از معارف بشری، این چرخ با قلب انسان مانوس نیست. هنر در مرتبه «صنع» است. «صنع» که خود از مراتب عقل است، تا حدودی مانع از نمایش تمام و کمال مکنونات قلبی انسان می گردد: به فرموده حافظ؛ هر دم از روی تو نقشی زندم راه خیال / با که گویم که در این پرده چه ها می بینم .

«انقلاب» نیز به معنی تبدیل وضعی یک چیز و از صفات دل است . این تبدیل وضعی، متناسب با نیاز به وجود آمده صورت می پذیرد و یک «چیز»، از وضع اول به وضع دوم تغییر می یابد. با ظهور انقلاب در قلب، قلب از صورت پیشین خود خارج شده و به صورتی جدید، تغییر شکل می یابد. انقلاب در قلب، همچنین به انقلاب در عقل نیز منجر شده و از اینرو با ظهور انقلاب، قلب و عقل انسان ها از صورتی قدیم به صورتی نو متحول می گردد.

انقلابی که در سال ۱۳۵۷ در ایران به نام مبارک اسلام به پیروزی رسید، قلب و عقل انسان ها را از وضع طاغوت زده پیشین خود، به صورت حقی خود بازگرداند. «طاغوت»، وضع پیشینی بود که روی از حق بازگرفته بود و با این تحول از میان رفت و سمت و سوی قلوب به سوی حق، متوجه شد.

انقلاب اسلامی در ایران، طغیانی بود در جهت میل به صورت الهی، علیه هر صورتی که به جز حق حقیقی بود. بنابر این، انقلاب اسلامی، به منزله مقدمه ای برای رفتن به سوی حقیقت کلمه الله دانسته می شود که در الله اکبر تجلی می یابد. الله اکبر به معنی تایید کلمه الله و نفی غیر آن است که بر همین مبنا به اصلی ترین شعار انقلاب اسلامی، تبدیل شد.

انقلاب اسلامی، تنها بیان زمان خود نبود بلکه بیان پشتوانه گرانقدر خود، یعنی سنت الهی بود . علیرغم تصورهای نه چندان درست از سنت و تلاش های به عمل آمده برای جدایی مسیر هنر از مسیر انقلاب، هنر انقلاب به مدد تفکر شرعی و ولایی، بر مسیر سنت استوار ماند.

سنت، ریشه است و ل زوم بازگشت از وضع موجود به وضع حقیقی و ثابت القدیم را یادآوری می‌کند. این بازگشت به ریشه، نه برای ماندن در آن است، بلکه زمینه را برای رجوع مجدد به زمان حال فراهم می‌آورد که با انقلاب عمیق تر و بزرگ تری در وضع موجود همراه می‌شود. باید توجه داشت که همیشه وضع موجود اصالت ندارد و انسان اکنون زده فاقد تاریخ، محکوم به فنا است زیرا اکنون همواره منحل در آینده است و در حال تبدیل به گذشته . تاریخ، رفتن به زمان باقی، سیر از زمان باقی به وضع امروز، به منظور آگاهی یافتن اجمالی از وضع فردا است.

#### ✓ هنر انقلابی و ویژگی‌های آن

با ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، هنر نیز به سرعت متحول شد و تغییرات بنیادینی در آن به وجود آمد که همگی تابع انقلاب در دل هنرمندان آن بود . در این اثنا هنرمندان هر کدام متناسب با احوال قلبی خود به ایجاد آثاری دست می‌زدند و این آثار به تدریج مجموعه ای را رقم زد که اکنون به نام هنر انقلاب اسلامی شناخته می‌شود.

در مواجهه با این جریان نوظهور، منتقدینی بودند که به وضع پیش آمده اعتراض می‌کردند و شکل‌گیری آثار هنری را بدون ارائه مانیفست، ناپایدار شمرده و چنین جریانات هنری را ناکارآمد می‌دانستند. آنان می‌گفتند که تحولات هنری همچون تحول در سایر عرصه‌هایی از قبیل اقتصاد، سیاست و ... است، از اینرو نیازمند تدوین مانیفستی مشابه خواهد بود تا مسیر پیش رو را تعیین نماید.

در این باره باید گفت که عدم ضرورت وجود مانیفست در مسیر هنر انقلاب، به ذات انقلاب اسلامی بازمی‌گشت که «نه» به همه چیز بود و «نفی» همه چیز. این طغیان و نفی وضع موجود، تمام آن چیزی بود که برای ظهور صورتی نوین در هنر ایران پس از انقلاب اسلامی کفایت می‌نمود. هنرمندان انقلاب بی‌آنکه خود بدانند، با نفی طاغوت، موجبات ظهور اسم الله را در آثار خود فراهم آورده بودند که به تدریج سبب می‌شد تا هنر انقلاب، اصول خود را بازیابد و به‌انها قابلیت تبیین ببخشد. به این ترتیب بی‌آنکه مانیفستی برای هنر انقلاب تبیین شده باشد، آثاری که در آن دوران بر اساس تحول قلبی هنرمندان نظام می‌یافت بستر تبیین اصول هنر انقلاب اسلامی را فراهم کرد.

هنر انقلاب بر اصل محور نفی و اثبات استوار است. نقاشان انقلاب اسلامی نیز با چنین رویکردی، طاغوت را نفی کردند و به الله آری گفتند. نفی طاغوت به معنی نفی فضای ناامن برای هر نوع تعالی انسانی

است، از اینرو بود که هنرمندان نقاش، به زدودن اصول و فروع جلوه های طاغوت در آثار خود پرداختند و تا توانستند از جلوه‌های الهی گفتند.

به تعبیر یکی از اندیشمندان معاصر، خانم دکتر عشقی، انقلاب اسلامی را می‌توان لحظه تلاقی ملک و ملکوت دانست. در این تلاقی بود که هنر انقلاب از جمله نقاشی انقلاب ظهور کرد.

دکتر محمدکاظم حسونند؛

#### ✓ انقلاب اسلامی و نظریات اندیشمندان

کلمه «انقلاب» در نظر به معادل انگلیسی آن، معادل کلمه revolution دانسته می‌شود که به معنی چرخش کهکشان و بازگشت ستارگان به مبدا اصلی شان است. باید گفت که ذات انقلاب اسلامی با این تعبیر متفاوت است چنانکه شهید مطهری می‌فرماید: انقلاب یعنی دگرگون شدن از حالی به حال دیگر. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان از بی نظیرترین و مردم‌ی‌ترین انقلاب‌های جهان معاصر دانست. «میشل فوکو» فیلسوف فرانسوی پست مدرن در باره انقلاب اسلامی ایران تاملاتی دارد که حائز اهمیت است. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همراه با یک گروه خبری و به عنوان یک خبرنگار به ایران سفر نمود و برآیند منظر خود به انقلاب اسلامی را در قالب اشاراتی بیان داشت.

از نظر فوکو، قدرت، معنای خاصی دارد و عنصری مهم است که در صور گوناگون جلوه می‌کند. او در پی آن برآمده بود تا ببیند در انقلاب اسلامی، عناصر قدرت چیستند. وی با بررسی جامعه ایران پس از انقلاب، اسلام و به طور مشخص مذهب تشیع و فرهنگ برخاسته از آن را اصلی‌ترین مصداق شکل‌گیری و تجلی قدرت می‌داند. وی معتقد بود که مناسک و آیین‌های مذهبی دارای قدرتی شگرف در ذات خود هستند که به پیشبرد انقلاب اسلامی و به تبع فرهنگ آن کمک می‌کنند. برای نمونه وی به برگزاری آیین‌های سوگواری در بزرگداشت شه‌دا اشاره می‌کند که به عنوان موتور محرک، روح انقلاب را در جامعه زنده نگاره می‌دارد. فوکو در این فرایند حتی اشیاء و اجسام را مظهر حضور و تجلی قدرت می‌داند و در این باره به پیکر ظاهراً بی‌جان شهدا و یا شیئی چون نوارکاست حاوی صدای امام اشاره می‌دارد و قدرت آنها را تحسین می‌کند.

فوکو بر اساس دریافت خود از عناصر انقلاب اسلامی، آن را انقلابی «پست مدرن» می‌داند. چنانچه این تعریف را در نظر آوریم هنر انقلاب را نیز می‌توان هنری پست مدرن دانست.

#### ✓ مولفه‌های پست‌مدرن در هنر انقلاب

پست‌مدرن نامیدن هنر انقلاب، ناظر بر آن نیست که هنرمندان آن با شناخت مولفه های هنر پست‌مدرن بدان گرویده بودند زیرا آغاز پست مدرنیته در غرب به دهه ۶۰ میلادی رجوع دارد که نتایج آن در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ به ظهور می‌رسد. این در حالی است که این جریان در اوان انقلاب در ایران ناشناخته بود و هنرمندان انقلاب، به طور ناخودآگاه آثاری را ایجاد می‌کردند که از برخی خصیصه‌های هنر پست مدرن برخوردار بود. برای نمونه نقاشی انقلاب، بازگشتی به گذشته داشت. این گذشته، ایدئولوژی انقلاب اسلامی بود که مضامین هنر انقلابی از آن مایه می‌گرفت. از سوی دیگر، نگاه هنرمندان انقلاب «نو و تازه» بود و هر کدام از این خصیصه‌ها، مشابهتی با هنر پست‌مدرن دارد.

باید اشاره نمود که در یک تعریف، هنر به عام (Public Art) و خاص (Private Art)، قابل تقسیم است. هنر پیش از انقلاب را بیشتر می‌توان هنر خاص دانست اما هنر انقلاب اسلامی هنری عام بود که در میان همه مردم ساری و جاری شد. به این ترتیب، حرکتی از نخبه گرایی به سوی مردمی شدن و عمومی شدن هنر صورت پذیرفت که آن نیز، از مولفه‌های هنر پست‌مدرن است.

#### ✓ مقاطع هنر انقلاب

هنر انقلاب دارای مقاطعی است که اصلی ترین آنها مقطع پس از انقلاب تا پیش از دفاع مقدس، پس از حمله به ایران تا پایان دفاع مقدس و نیز دوره پس از آن است. آنچه صرف نظر از مضامین و روش‌های گوناگون در آثار این دوره ها دیده می‌شود نیز «تعهد» است. تعهدی که در برابر «بی‌تفاوتی» قرار می‌گیرد و وجه تمایز اصلی هنر انقلابی از هنر غیرانقلابی دانسته می‌شود.

نقاشی انقلاب اسلامی گرچه از بسیاری هنرهای مشابه خود تاثیر ساختاری نیز پذیرفت اما به تدریج راه خود را با رجوع به مولفه های هویتی ایرانی و یا اسلامی بازیافت؛ گرچه همچنان راه درازی را برای بلوغ خود در پیش رو دارد.

## • محور دوم: ویژگی‌های نقاشی انقلاب اسلامی

دکتر محمدعلی رجیبی؛

✓ نقاشی انقلاب، هنر جوان

هر انقلابی جوان است و هر جوانی مستعد انقلاب . جوانی، مبنا و اساس نقاشی انقلاب اسلامی است. در تمامی انقلاب‌های جهان، پیش از همه و بیش از همه، جوانان به حرکت انقلابی می‌پیوندند. جوان سازندهٔ بدنهٔ اصلی هر انقلاب است زیرا قلب جوان، هنوز با وضع موجود در انطباق نیست و قابلیت انقلاب و دگرگونی را داراست.

نقاشی انقلاب اسلامی نیز بر حول جوانان نظام یافت زیرا نخبگان و هنرمندان خواص، شکل و صورت وضع موجود را در قلب خود تثبیت شده می‌یافتند و تمایلی به تغییر آن نداشتند. به این ترتیب جوانان هنرمند در نقاشی انقلاب به سرعت مهارت یافتند و به «حرفه‌ای»ها تبدیل شدند. در مقابل نیز نخبگان هنر و حرفه‌ای‌هایی که در جامعهٔ ایران پس از انقلاب باقی‌ماندند در برابر وضع جدید، به هنرمندانی آماتور تبدیل شدند.

هنر جوان نقاشی انقلاب اسلامی، علیرغم سابقهٔ اندک خود، تازه، شفاف و صریح بود و نشان می‌داد که جوانان هنرمند چگونه یک شبه متحول شدند و ره صدساله رفتند به نحوی که در اندک زمانی، آنان هنرمندانی حرفه‌ای شده بودند.

### گسترده‌گی اجتماعی هنر نقاشی انقلاب

آثار نقاشی انقلاب به سرعت جای خود را در سطح شهر بازیافت به نحوی که هر سطح موجود و مناسب بر دیوارهای شهر، نقاشی می‌شد. جوانان با ابتدایی‌ترین وسایل در دسترس، نقاشی‌هایی برخوردار از مضامین انقلابی و روح انقلاب به ثمر می‌رساندند و جریان انقلاب را در میان مردم، زنده نگاه می‌داشتند. گرچه متاسفانه باید گفت بسیاری از این آثار به تدریج زوده شدند و اثری از آنها بر جای نماند. برخی دیگر نیز دچار بازسازی‌های نه چندان درستی شدند که از اصالت آنها کاست. در حالی که نقاشی‌های انقلاب، تاریخ مستند و گواهی بر این برههٔ زمانی محسوب می‌شوند که قابل جایگزین با هیچ چیز دیگر نیست.

#### ✓ غیرسفراری بودن هنر انقلاب

هنر انقلاب ذاتاً هنری غیرسفراری بود، نقاشی به عنوان یکی از جلوه های هنر انقلاب، برای هنرمندانی که بدان اشتغال داشتند، سفرارش تلقی نشد بلکه آثار آنها، باز نمود نسبتی بود که ایشان با انقلاب یافته بودند.

#### ✓ مضامین نقاشی انقلاب

تمامی حوادثی که همزمان با پیروزی انقلاب و نیز پس از آن در حین دفاع مقدس رخ می دادند، دستمایه ابداعات هنری نقاشان انقلاب بود که در صورت های متفاوت تکنیکی ارائه می شد. این آثار غالباً از قدرت و قوت ظاهری برخوردار نبودند اما تحول معنایی در آنها، جلوه ای را به وجود می آورد که اساس تمایز این آثار با نقاشی های غیر از آنها بود. بسیاری از این هنرمندان، گوش به بیانات امام داشتند تا موضوع اثرشان را بیابند. برخی دیگر، در جبهه های نبرد حضور می یافتند و در بازگشت، حاصل تجربیات و احوال دل خود را بر پرده نقاشی می کشیدند. به این ترتیب مضامین اصلی هنر انقلاب، از بستر قلب ها برمی خاست.

#### ✓ ولایت مداری نقاشی انقلاب

نقاشی انقلاب در سال های نخست پیروزی، نمایانگر میزان علم و معرفت هنرمندان آن نسبت به امر ولایت بود. اگر هنر عام را برابر با فضیلت بدانیم که هنر خاص از دل آن برم ی آید؛ هنرمند نقاش انقلابی، برخوردار از فضیلت معرفت به ولی امر خود بود و این معرفت را به نسبت، در آثار خود باز می نمایاند. نقاش انقلاب بر اصل، پابندی به ولایت پای می فشرد؛ ولایتی که از ولی فقیه زمان آغاز می شد، به امامان معصوم می رسید و سپس به پیامبر و پس از آن به پروردگار متصل می گشت. علیرغم ضعف آثار به دلیل تجربه اندک تکنیکی هنرمندان آن؛ این اصل همواره محفوظ می ماند و روح جاری در نقاشی های انقلاب بود.

دکتر محمد کاظم حسنونند؛

#### ✓ محتواگرایی در نقاشی انقلاب

باید گفت یکی از مولفه های هنر پست مدرن که در هنر نقاشی انقلاب اسلامی دیده می شود، «محتواگرایی» است. این ویژگی با رجوع به معنویات در نقاشی انقلاب رخ نمود و بنابر سخنان فوکو، نشانگر «روح جهانی در جهانی بی روح» گشت.

ویژگی مهم نقاشی انقلاب اسلامی، حضور مولفه «تعهد» در آثار آن است. هنر انقلاب اسلامی هنری متعهد است آن‌چنان که در پیام و بیانیه امام خمینی نیز جلوه گر شد و ایشان هنرمند انقلاب را برابر با بسیجی انقلاب دانستند. هنر گرچه در فرهنگ ایران قدیم، برابر با فضل و کمال دانسته می شد، امروزه به تکنیک و Art، تقلیل یافته اما بیان امام نشان داده است که وجه فضیلت و کمال در هنر انقلاب از چه اهمیتی برخوردار است.

#### ✓ جهانی بودن

نقاشی انقلاب اسلامی، به دلیل برخورداری از برخی ویژگی‌ها، نماینده وجه جهانی انقلاب اسلامی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد بسیار زیادی نقاشی به ظهور رسید اما علیرغم گونه‌های متفاوت آن، از اصولی برخوردار است که با بسیاری از هنرهای انقلابی جهان مشترک دانسته می شود. برای نمونه بسیاری از خصوصیات هنر انقلابی روسیه و یا هنر انقلابی مکزیکی را می توان در نقاشی انقلاب باز دید؛ خصوصیات که این هنرها را برای همیشه ماندگار ساخته است. از اینرو و به دلیل برخورداری از این ویژگی‌ها می توان گفت که نقاشی انقلاب اسلامی، دارای وجهی جهانی است.

#### ✓ شکل‌گیری گسترده دیوارنگاری

نقاشی انقلاب اسلامی، همچون نقاشی سایر انقلاب‌ها، خود را بر دیوارهای شهرها به نمایش گذاشت. این دیوارنگاری‌ها که در شهرهای متعدد ایران انجام شد، بع ضاً متأثر از دیوارنگاری‌های سوسیالیستی و شرق کمونیستی بودند اما مضامین، همچنان دستاوردها و شعارهای اصلی انقلاب اسلامی بود.

این آثار همچنین سیاست‌های فرهنگی و یا بین المللی نظام جمهوری اسلامی را می نمایندند به نحوی که دیوار بیرونی سفارتخانه‌ها، مشحون از نمایش تصویری آرمان‌های انقلاب به زبان نقاشی شده بود. این آثار که نمایانگر تاریخ انقلاب و نیز تاریخ هنر انقلاب اسلامی بودند، با تغییر رویکردهای سیاسی و فرهنگی، دستخوش نابودی گشتند به نحوی که اکنون از برخی از این آثار، هیچ نشانی برجای نمانده است. خاطر نشان می شود که در جهان امروز و روابط بین الملل در آن، منعی برای ظهور و یا ماندگاری آثار تاریخی وجود ندارد حتی اگر در تعارض با برخی سیاست‌های جاری قرار گیرد. اکنون در قلب نظام سرمایه داری یعنی آمریکا، مشاهده می شود که با هزینه راک فلر، هنرمند مکزیکی سی که‌ای روس دیوارنگاری خود را که در آن روح کمونیسم جاری است به اجرا می رساند و از آن محافظت نیز می شود.



بنابر این باید گفت که هنر انقلاب، هنری جهانی بوده است که مخاطبان مشتاق خود را در سراسر جهان دارا است و از اینرو حفظ و صیانت از آثار برجای مانده از آن، ضرورتی فرهنگی است.

#### ✓ تسری هنر به جامعه ایران با نقاشی انقلاب

ظهور شیوه خاص هنر و به ویژه نقاشی پس از انقلاب، موجب شد تا هنر به درون خانواده های ایرانی راه یابد. خانواده های اغلب مذهبی که روح هنر طاغوت را بر نمی تافتند با گونه ای از هنر مواجه شدند که در تطابق با باورها و اعتقادشان بود بنابر این از گرایش به هنر استقبال کردند. این امر باعث رشد بسیار زیاد جامعه هنری پس از انقلاب اسلامی ایران شد.

#### ✓ همسویی هنرمندان سایر ادیان با نقاشان مسلمان انقلاب

از دیگر ممیزات نقاشی انقلاب آن بود که توسط هنرمندان اقلیت های مذهبی به رسمیت شناخته و پی گیری شد. این امر از آن رو بود که نوعی حوالت تاریخی بر ایران پس از انقلاب جاری بود که همگان را در بر می گرفت. این هنرمندان نیز مستثنی نبودند و همسو با نقاشان مسلمان به ایجاد آثاری دست زدند که از روح انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته بود.

#### در خاتمه:

در این جلسه، شماری از آثار نقاشان شناخته شده یا ناشناخته انقلاب به نمایش درآمد و در باره چگونگی آنها بحث شد.

در خاتمه نیز پیشنهادهایی کلی بیان گردید از جمله:

۱. لزوم گردآوری و تاریخ نگاری متقن و اصولی از آثار هنر نقاشی انقلاب.
۲. ضرورت تاسیس «موزه هنر انقلاب»؛ به منظور پاسداشت از هویت تاریخی هر ملت که در گرو حفظ آثار هنری دوره های تاریخی گوناگون آن است.
۳. ثبت تجربیات هنرمندان انقلاب در قالب مستندات تاریخ شفاهی.
۴. ضرورت مراقبت از چگونگی عرضه و حفظ آثار هنر انقلاب، به ویژه در عرصه فضاهای عمومی شهر.